



پست مدرنیسم (کلام جدید)

پست مدرنیسم مفهومی تاریخی و جامعه‌شناختی است که به دوران تاریخی بعد از مدرنیسم اطلاق می‌شود. این اصطلاح در زبان فارسی به فرانوگرایی، پسامدرنیسم و فرامدرنیسم و فرا تجددگرایی ترجمه شده است. از ویژگی‌های عنصری و محتوایی پست مدرنیسم، می‌توان انکار حقیقت ثابت و عینی، برخورد انتقادی نسبت به هر نوع معرفت‌شناسی، نفی کلیت و جامعیت از هرگونه فکر، عقیده و اندیشه و غیره اشاره کرد. در رابطه پست مدرنیسم با دین می‌توان گفت که، پست مدرنیسم هرگز نمی‌تواند دین را با خصائص حقیقت‌انگازانه و صدق محورانه‌ای که ذاتی همه ادیان محسوب می‌شود، برتابد. در واقع پست مدرنیسم بر اساس اصول و ویژگی‌هایش، دین را نیز همانند یک فرا روایت و جهان‌بینی کلی، به کنار می‌نهد. نتیجه‌ای که از این طرز فکر بدست می‌آید، موضع نسبی‌گرایانه و پلورالیستی است که خود باعث به وجود آمدن مواضع گوناگونی از سوی اندیشمندان شده است. با اندکی تامل در ویژگی‌های پست مدرنیسم آنها را مغایر با تعالیم اسلام و همه ادیان توحیدی و الهی می‌یابیم. همه ادیان درصدد تبیین حقایق جهان و حقیقت غایی آن و راهنمایی بشر به سوی آن هستند، و برای این منظور به تبیین اصول و تعالیمی می‌پردازند که ثابت و غیرقابل تردید می‌باشد. از نظر اندیشه دینی، به ویژه دین مبین اسلام، نمی‌توان همه امور را نسبی و قراردادی پنداشت. اندیشه پست مدرنیسم، دارای تناقضی درونی بوده و مبنای ارائه شده توسط این گروه (پلورالیسم، نفی حقیقت و غیره) به رد نظیره‌شان کمک می‌نماید؛ بنابراین اندیشه پست مدرنیسم نیز دارای حقیقتی نیست و نمی‌توان آن را پذیرفت.

فهرست مندرجات

- ۱ - مفهوم‌شناسی
- ۲ - مهم‌ترین اصول پست مدرنیسم
 - ۲.۱ - انکار حقیقت ثابت و عینی
 - ۲.۲ - برخورد انتقادی
 - ۲.۳ - نفی کلیت و جامعیت از عقیده
 - ۲.۴ - پلورالیسم
 - ۲.۵ - تشکیک در اعتقادات کهن
- ۳ - رابطه پست مدرنیسم و دین
- ۴ - پست مدرنیسم و اسلام
- ۵ - پانویس
- ۶ - منبع

مفهوم‌شناسی

پیشوند پست (post) را در فارسی به تعبیری چون مابعد، فرا، پس، پس‌برگردانده‌اند.
[۱] Simon and schuster, Webster's new world dictionary, new york, ۱۹۹۰, p: ۱۱۱۲.
اصطلاحاتی چون پسامدرنیسم، فراتجدگرایی و نوگرایی را نیز در برابر تعبیر پست مدرنیسم نهاده‌اند.
در اینکه پست مدرنیسم چیست؟ چه تعریفی می‌توان از آن ارائه کرد؟ آیا پست مدرنیسم یک مکتب است؟ یا یک روش خاص در هنر و معماری؟ و یا یک جهان‌بینی؟ و یا یک تفکر کودتا مانند علیه اقتدار و نظم مدرنیسم و یا رویکرد معرفت‌شناسانه است؟ میان اندیشمندان پست مدرن وحدت نظر وجود ندارد. برخی بر این باورند که به دلیل وجود نارسایی‌های ناشی از مدرنیسم، نظریه‌پردازان امور اجتماعی و فرهنگی در غرب به این نتیجه رسیده‌اند که پدیده پست مدرنیسم را یک واکنش جدی در برابر تحولات و نابسامانی‌های ناشی از دوران مدرنیسم بدانند.
به عقیده آنها پست مدرنیسم، نوع نگرش و پندار مدرنیسم را نسبت به انسان و جهان نمی‌پذیرد و روایت کلان و جهان شمول آن را به چالش می‌طلبد. نکته جالب اهمیت اینکه این افراد کوشیده‌اند تا به جهان بقبولانند که عصر پست مدرنیسم، عصر کاهش تضادها، صلح و مداراگری است.
[۲] بازگانی، بهمن، درباره وضعیت پست مدرن و برخی پیامدهای آن، فرهنگ توسعه، ش ۲۹ و ۳۰، ۱۳۷۶، ص ۸۸.

برخی نیز پست مدرنیسم را ادامه موج مدرنیسم می‌دانند، نهایت با این تفاوت که روشی است ملایم و تعدیل‌کننده نوع نگرش افراطی به عقل و خرد مدرن. بنابراین قرائت واحد از پست مدرنیسم وجود ندارد و تعریف فراگیر از این رویکرد نمی‌توان بدست آورد و این بدان جهت است که مفهوم پست مدرنیسم پیچیده، متنوع، چارچوب‌گریز و فاقد نظم و اسلوب واحد است. به رغم پیچیدگی و ناهمگونی مفهوم پست مدرنیسم و با وجود اختلاف نظر اساسی میان نظریه‌پردازان پست مدرنیسم، می‌توان در آراء متفکران این رویکرد، نکات مشترکی را در مورد پست مدرنیسم بدست آورد.
[۳] سجادی، سید جواد، مدرنیسم و پست مدرنیسم در اسلام، تعارض یا سازگاری، فصلنامه تخصصی علوم اسلامی، پیش شماره دوم، ۱۳۸۵، ص ۱۱۷.

آودی در این باره چنین می‌گوید: «پست مدرنیسم به مجموعه پیچیده‌ای از واکنش‌هایی مربوط می‌شود که در قبال فلسفه مدرن و پیش‌فرض‌های آن صورت گرفته‌اند، بدون آنکه در اصول عقائد اساسی کم‌ترین توافقی بین آنها وجود داشته باشد.» لذا فلسفه پست مدرن با توجه به آنچه گفته شد به عنوان مفهوم پیچیده‌ای می‌توان تلقی کرد که شامل عناصری از قبیل نفی حقیقت، نفی اصول، قواعد و ضدیت با واقع‌گرایی می‌باشد.
[۴] نوذری، حسینعلی، پست مدرنیته و پست مدرنیسم: تعاریف، نظریه‌ها و کاربست‌ها، تهران، نقش جهان، ص ۲۹-۳۰.

برخی نخستین کاربرد واژه «پست مدرن» را به دهه ۱۸۷۰ و به یک هنرمند بریتانیایی به نام **چپمن** (John Watkins Chapman) نسبت داده‌اند.
[۵] آپیکناسی، ریچارد، پست مدرنیسم (قدم اول)، ترجمه فاطمه جلالی سعادت، تهران، شیرازه، ۱۳۸۰، ص ۵.
اما ظاهراً این واژه نخستین بار از سوی **آرنولد توین بی** (Arnold Toynbee) در سال ۱۹۳۹ به کار گرفته شد. این اصطلاح بعدها در سال ۱۹۶۰ توسط هنرمندان و منتقدان نیز استفاده شد.

[۶] رهنمایی، سید احمد، غرب‌شناسی، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۴، چاپ هفتم، ص ۱۹۶.

از ویژگی‌های عنصری و محتوایی پست مدرنیسم، که در واقع سلسله اصول مواضع این مکتب را نشان می‌دهد، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

← انکار حقیقت ثابت و عینی

این اصل آنچنان با اندیشه پست مدرنیسم آمیخته است که در باره‌های موارد پست مدرنیسم را همان انکار استانداردهای عینی باورها دانسته‌اند. با این حساب در همه زمینه‌ها، اعم از هنر، ادبیات، انسان‌شناسی و غیره این سوال مطرح خواهد بود که آیا اموری حقیقی و عینی و یا مفهومی از حقیقت عینی یافت می‌شود یا نه. در مقام پاسخ، پست مدرنیسم نقادانه به هرگونه مفهومی از حقیقت عینی نظر می‌کند و در تلاش است تا بیان کند که هیچ معیار حقیقی و عینی از باور وجود ندارد.

این بخش از کلام نیچه (Nietzsche) که در سال ۱۸۸۷ اظهار داشت: «خدا مرده است.» و «اعتقاد به خدای مسیحیت دیگر مورد باور نیست.» مورد توجه و خوشایند پست مدرنیست‌ها قرار گرفته است. بنابراین در یک جامعه پست مدرن هیچ اصلی وجود ندارد و هیچ معیاری، کلی و پذیرفته شده نیست. اصل چنین جامعه‌ای در بی‌اصولی است.

← برخورد انتقادآمیز

برخورد انتقادآمیز نسبت به هر نوع معرفت‌شناسی: پست مدرنیسم بر حسب دیدگاه انتقادآمیزش نسبت به سرشت انسانی، تاریخ و الهیات و متافیزیک، قابل تبیین و تشخیص است. برخی از هواداران پست مدرنیسم بر این باورند که جنبه صریحا انتقادی پست مدرنیسم عنصر کلیدی این فلسفه به شمار می‌رود. در واقع فلسفه پست مدرنیسم ارزش عمده‌ای را برای تفکر انتقادی در نظر می‌گیرد.

← نفی کلیت و جامعیت از عقیده

نفی کلیت و جامعیت از هرگونه فکر، عقیده و اندیشه: لیونارد در تبیین و توضیح پست مدرنیسم معتقد است که دیگر نمی‌توان از یک عقیده و عقلانیت کلیت یافته و جهان شمول سخن گفت؛ زیرا عقل کلی و جهانی هرگز وجود خارجی ندارد. آنچه در اندیشه پست مدرن مطرح است این است که باید از عقل‌ها و بینش‌ها و اندیشه‌های متکثر سخن به میان آورد.

بدین ترتیب در دنیای پست مدرن، عدم اعتقاد به دنیای عینی و بی‌ایمانی نسبت به توجیحات و استدلال‌های کلی یا جهان شمول فلسفی و نابوری و عدم‌اعتماد به هرگونه فرا روایت درباره مشروعیت وجود دارد.

[۷] رهنمایی، سید احمد، غرب‌شناسی، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۴، چاپ هفتم، ص ۱۹۹-۲۰۱. در واقع پست مدرنیسم با ارزش عمده‌ای که برای تفکر انتقادی در نظر می‌گیرد، فرضیه‌های بنیادی که در ارتباط با تمامیت و قطعیت، همچنین علیت و جامعیت برخی از امور، مورد تأیید فلسفه مدرنیسم بوده‌اند را مردود می‌داند. و این گونه تفکر انتقادی در نفی امور موجب شکاکیت می‌گردد.

← پلورالیسم

یکی از عناوین مهمی که در مباحث کلامی جایگاه ویژه دارد، پلورالیسم یا کثرت‌گرایی است. پلورال در لغت، به معنای جمع، جمعی، متکثر و چندگانه است و پلورالیسم به معنای تکثر، چندگانگی، آیین کثرت و غیره می‌باشد. پلورالیسم در حوزه‌های مختلف، کاربردهای مختلفی دارد که حد مشترک تمامی آنها، به رسمیت شناختن کثرت در برابر وحدت، یگانگی و نوعی انحصارگرایی (انحصارگرایان معتقدند رستگاری، کمال یا هر چیز دیگری که هدف نهایی دین تلقی می‌شود، منحصر در یک دین خاص وجود دارد، یا از رهگذر یک دین خاص به دست می‌آید. ادیان دیگر نیز حامل حقایقی هستند، اما منحصر یک دین حق وجود دارد که راه رستگاری و رهایی را پیش روی ما می‌نهد) است.

[۸] ربانی گلپایگانی، علی، تحلیل و نقد پلورالیسم‌دینی، تهران، اندیشه معاصر، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۳۶.

پلورالیسم و تکثرگرایی، ریشه در نوع معرفت‌شناسی افراد و جهان‌بینی آنان داشته و از آنجا به مذهب و دین سرایت کرده است. به عبارتی، سرچشمه پلورالیسم در جهان‌شناسی است؛ یعنی اگر شخصی در معرفت‌شناسی و جهان‌بینی معتقد به نسبییت حقیقت یا نسبییت درک باشد، در دین نیز دچار نسبییت و تکثر خواهد بود.

[۹] جوادی آملی، عبدالله، دین‌شناسی، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۲۰۷.

نوعی از پلورالیسم، پلورالیسم دینی می‌باشد. این گروه معتقدند که حقیقت و رستگاری، در دین ویژه‌ای نبوده، همه ادیان بهره‌ای از حقیقت دارند. در نتیجه پیروی از برنامه‌های هر یک از آنها می‌تواند مایه نجات و کمال پیروان خود شود. به بیان دیگر، گرچه حقایق در اصل، متعددند و گرچه همه عقاید و ادیان متناقض باشند، همگی حقیقت دارند و تمامی آنها صحیح و درست است.

[۱۰] جوادی آملی، عبدالله، دین‌شناسی، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۱۸۵.

می‌توان گفت اصول و مبانی پلورالیسم، زاینده شکاکیت و سوفسطایی‌گری است. و چون از نظر آنها به حقیقت واحد و مطلق نمی‌توان دست یافت، هر کس هر چیزی را که درک کند، همان حقیقت است. طرفداران این مکتب، حقیقت هر چیزی را نامتناهی می‌دانند و بر این عقیده‌اند که انسان متناهی و دیگر موجودات متناهی نمی‌توانند حقایق نامتناهی را درک کنند.

[۱۱] جوادی آملی، عبدالله، دین‌شناسی، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۲۱۱.

← تشکیک در اعتقادات کهن

تشکیک شدید نسبت به باورهای گذشته: از دیگر ویژگی‌های پست مدرنیسم، تشکیک در بسیاری از اعتقادات کهن و سنتی می‌باشد. از جمله: اقتصاد، اخلاقیات، متافیزیک، کلام، تعلیم و تربیت و غیره، پست مدرنیسم تمامی این باورها را که در دوران قبل خود مورد تأیید بودند، در معرض نقد و شکاکیت قرار می‌دهد و بسیاری را مردود می‌شمارد.

[۱۲] احمد، اکبر، ص، پست مدرنیسم و اسلام، فرهاد فرهنگ‌دفر، نشر ثالث، با همکاری مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها، ۱۳۸۰، ص ۳۷.

رابطه پست مدرنیسم و دین

همچنان که پیش‌تر گفتیم، ماهیت پست مدرنیسم به نحوی است که برداشت‌های گوناگونی از آن شده است. از همین‌رو، در مورد ارتباط دین و پست مدرنیسم نیز برداشت‌های متفاوتی وجود دارد. از نظر برخی از نظریه‌پردازان پست مدرن، چه بسا فلسفه پست مدرنیسم به منزله مرگ خدایان و نابودی دین تلقی شده است؛ اما از نظر برخی دیگر، این مکتب به اصول بازگشت به ایمان و التزامات ایمان سنتی اشعار دارد و در نظر گروه سوم، چنین فلسفه‌ای بیانگر امکان بازسازی ایده‌های مذهبی فراموش شده است.

[۱۳] Mark C. Taylor, reframing Postmodernism Shadow of Spirit Postmodernism And Religion, Edited By Philla Berry And Andrew Wernick (London [۱۳] And New York: Routledge (۱۹۹۲) P. ۱۱.

از سوی دیگر، نگاه دین‌داران به پست مدرنیسم نیز از همخوانی چندانی برخوردار نیست. برخی از دینداران در صدد نفی پست مدرنیسم برآمده‌اند، اما برخی دیگر آن را پذیرفته و بر آن شده‌اند که بین آموزه‌های دینی و احکام و لوازم پست مدرنیستی هماهنگی و سازگاری ایجاد کنند و یا حتی الامکان قرائتی پسا تجددگرایانه از دین ارائه داده و آن را منطبق با پست مدرنیته بنمایند.

[۱۴] نودری، حسینعلی، صورتبندی مدرنیته و پست مدرنیته، تهران، انتشارات نقش جهان، ۱۳۷۹، ص ۴۰۷.

پیش‌تر ویژگی‌های کلی پست مدرنیسم را برشمردیم و در خصوص آن، اشاره کردیم که اصول، مواضع و دیدگاه‌های پست مدرنیسم بر نوعی دیرباوری نسبت به میانی و مضامین ثابت و تغییرناپذیر استوار است.

از منظر پست مدرنیسم، اندیشه بشری به طور سرشتی فاقد هرگونه اصول غیرقابل تغییر و تبدل‌شناختی است. از این نظر، اندیشه دینی نیز همچون اندیشه‌های بشری دستخوش تغییر و تحول می‌باشد. در واقع یکی از نقاط مشترک در مدرنیته و پست مدرنیته، خط مشی نقد دین و اصول و میانی آن است. آنچه را که مدرنیسم، به نام تأمین استقلال انسان و استکشاف واقعیات و توانایی‌های انسانی و نیز در راستای تحقق آرزوها و امیال انسانی، در بستر دین و اصول و میانی ثابت انجام می‌داد، پست مدرنیسم نیز دنبال کرد. از این رو برخورد منتقدانه با دین و تعلیمات دینی، نقطه عطف مشترکی بین مدرنیسم و پست مدرنیسم تلقی می‌گردد.

بدین ترتیب، پست مدرنیسم هرگز نمی‌تواند دین را با خصائص حقیقت‌انگارانه و صدق محورانه‌ای که ذاتی همه ادیان محسوب می‌شود، برتابد. در واقع پست مدرنیسم بر اساس اصول و ویژگی‌هایش، دین را نیز همانند یک فرا روایت و جهان‌بینی کلی، به کنار می‌نهد. نتیجه‌ای که از این طرز فکر بدست می‌آید، موضع نسبی‌گرایانه و پلورالیستی است که خود باعث به وجود آمدن مواضع گوناگونی از سوی اندیشمندان شده است.

[۱۵] رهنمایی، سید احمد، غرب شناسی، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۴، چاپ هفتم، ص ۱۵۸-۱۵۹.

پست مدرنیسم و اسلام

در مورد ارتباط بین اسلام و پست مدرنیسم، آنچه روشن می‌باشد، این است که در اسلام برخی از مفاهیم از جایگاه بسیار قطعی، مسلم و مقدسی برخوردارند، به نحوی که هیچ‌گونه تردیدی در مورد پذیرش اصول و آموزه‌های آن نیست. در حالی که پست مدرنیسم به انکار هرگونه مفهوم قطعی و مقدس می‌پردازد. از سویی دیگر نسبی‌گرایی و نگاه انتقاد آمیزانه‌ای که پست مدرنیسم نسبت به اعتقادات و باورهای پذیرفته شده دارد، با مفاهیم ثابت و مسلمی که در اسلام هست، تضاد دارد.

[۱۶] نودری، حسینعلی، صورتبندی مدرنیته و پست مدرنیته، تهران، انتشارات نقش جهان، ۱۳۷۹، ص ۴۱۳.

اسلام به عنوان دینی که بر محور **توحید** استوار است و خودش را به عنوان دین حق و البته به عنوان تنهاترین دین حق معرفی می‌کند و نجات، رستگاری، مغفرت و هدایت را تنها در آموزه‌های خودش می‌بیند، قهرا با اندیشه‌ای که مخالف هر نوع وحدت و ساختار واحد است، راه نجات و رستگاری را انحصاری نمی‌داند و با هر گونه اصالت و محوریت واحد در ستیز است، مخالف و در تقابل است و دیگر هیچ‌گونه راه جمع باقی نمی‌ماند.

وقتی که ایده پست مدرن با وحدت مخالف است و راه نجات را نه یک راه که هزاران راه می‌بیند، مخالف هرگونه راست کیشی است و هرگونه پیش‌گویی از آینده را مردود می‌شمارد، چگونه می‌تواند با اسلام که یکی از مهم‌ترین اصولش **معاد** است و ریشه در آینده دارد، قابل جمع باشد. تفکری که می‌گوید حقیقتی در کار نیست هرگز نمی‌تواند با اسلام سازگار باشد و به هیچ وجه نمی‌توان گفت نظریه‌ای که هیچ حجیتی را قبول ندارد، با دین برابر شود.

[۱۷] سجادی، سید جواد، مدرنیسم و پست مدرنیسم در اسلام، تعارض یا سازگاری، فصلنامه تخصصی علوم اسلامی، پیش شماره دوم، ۱۳۸۵، ص ۱۲۴.

بنابراین به طور خلاصه می‌توان گفت: با اندکی تأمل در این ویژگی‌ها، آنها را مغایر با تعالیم اسلام و همه **ادیان توحیدی** و الهی می‌یابیم. همه ادیان درصدد تبیین حقایق جهان و حقیقت غایبی آن و راهنمایی بشر به سوی آن هستند، و برای این منظور به تبیین اصول و تعالیمی می‌پردازند که ثابت و غیرقابل تردید می‌باشند. از نظر اندیشه دینی، به ویژه دین مبین اسلام، نمی‌توان همه امور را نسبی و قراردادی پنداشت.

ادیان مختلف، همواره به تبیین جهان‌بینی الهی برای آدمی می‌پردازند و این مطلب با ویژگی نفی فرا روایت‌ها سازگار نیست. نسبی‌انگاری و انکار هنجارهای ارزشمند نیز مساله‌ای است که هرگز مورد پذیرش دین اسلام و سایر ادیان نیست. همچنین پلورالیسم و روح کثرت‌گرایی شدید که بر پست مدرنیسم حاکم است، مورد نقد و بررسی ادیان توحیدی و بویژه اسلام است.

از سویی دیگر، اندیشه پست مدرنیسم، دارای تناقضی درونی بوده و میانی ارائه شده توسط این گروه (پلورالیسم، نفی حقیقت و غیره) به رد نظیره‌شان کمک می‌نماید؛ زیرا این سخن که هیچ حقیقت ثابتی در جهان وجود ندارد شامل دیدگاه آنها نیز می‌شود. بنابراین اندیشه پست مدرنیسم نیز دارای حقیقتی نیست و نمی‌توان آن را پذیرفت.

پانویس

۱. ↑ Simon and schuster. Webster's new world dictionary. new york. ۱۹۹۰، p: ۱۱۱۲
۲. ↑ بازرگانی، بهمن، درباره وضعیت پست مدرن و برخی پیامدهای آن، فرهنگ توسعه، ش ۳۹ و ۳۰، ۱۳۷۶، ص ۸۸.
۳. ↑ سجادی، سید جواد، مدرنیسم و پست مدرنیسم در اسلام، تعارض یا سازگاری، فصلنامه تخصصی علوم اسلامی، پیش شماره دوم، ۱۳۸۵، ص ۱۱۷.
۴. ↑ نودری، حسینعلی، پست مدرنیته و پست مدرنیسم؛ تعاریف، نظری‌ها و کاربردها، تهران، نقش جهان، ص ۲۹-۳۰.
۵. ↑ آپینگانسی، ریچارد، پست مدرنیسم (قدم اول)، ترجمه فاطمه جلالی سعادت، تهران، شیرازه، ۱۳۸۰، ص ۵.
۶. ↑ رهنمایی، سید احمد، غرب شناسی، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۴، چاپ هفتم، ص ۱۹۶.
۷. ↑ رهنمایی، سید احمد، غرب شناسی، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۴، چاپ هفتم، ص ۱۹۹-۲۰۱.
۸. ↑ ربانی گلپایگانی، علی، تحلیل و نقد پلورالیسم‌دینی، تهران، اندیشه معاصر، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۲۶.
۹. ↑ جواد آملی، عبدالله، دین شناسی، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۲۰۷.
۱۰. ↑ جواد آملی، عبدالله، دین شناسی، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۱۸۵.
۱۱. ↑ جواد آملی، عبدالله، دین شناسی، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۲۱۱.
۱۲. ↑ احمد، اکبر، ص، پست مدرنیسم و اسلام، فرهاد فرهمندفر، نشر ثالث، با همکاری مرکز بین المللی گفتگوی تمدن‌ها، ۱۳۸۰، ص ۳۷.
۱۳. ↑ Mark C. Taylor. reframing Postmodernism Shadow of Spirit Postmodernism And Religion. Edited By Philla Berry And Andrew Wernick (London And Newyork: Routledge ۱۹۹۲) P. ۱۱
۱۴. ↑ نودری، حسینعلی، صورتبندی مدرنیته و پست مدرنیته، تهران، انتشارات نقش جهان، ۱۳۷۹، ص ۴۰۷.
۱۵. ↑ رهنمایی، سید احمد، غرب شناسی، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۴، چاپ هفتم، ص ۱۵۸-۱۵۹.
۱۶. ↑ نودری، حسینعلی، صورتبندی مدرنیته و پست مدرنیته، تهران، انتشارات نقش جهان، ۱۳۷۹، ص ۴۱۳.
۱۷. ↑ سجادی، سید جواد، مدرنیسم و پست مدرنیسم در اسلام، تعارض یا سازگاری، فصلنامه تخصصی علوم اسلامی، پیش شماره دوم، ۱۳۸۵، ص ۱۲۴.

منبع

سایت پژوهه، برگرفته از مقاله «پست مدرنیسم»، تاریخ بازبینی ۱۳۹۸/۰۹/۱۷.

رده‌های این صفحه : **کلام جدید** | **مباحث کلامی** | **معرفت دینی** | **مکاتب فلسفی** | **نوگرایی**